

نهاد عاقله قائم مقام مرتکب در پرداخت دیه جنایات خطایی



حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمد مصدق، عضو هیئت علمی دانشگاه و معاون اول قوه قضاییه

چکیده

نهاد «عاقله» که شامل پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث می‌باشد، حکمی است امضایی تکلیفی که بر اساس آن، با اجتماع شرایط قانونی؛ از جمله تمکن مالی حین پرداخت، عاقله را به قائم مقامی از مرتکب، مسئول پرداخت دیه جنایات‌های ارتكابی وی قرار می‌دهد. در خصوص قلمرو زمانی و مکانی اعتبار این نهاد که مبتنی بر ضمان متقابل، ارث، بازدارندگی از ارتكاب جرم و حفظ احترام خون مسلمان می‌باشد، میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد. برخی، قائل بر منسوخ شدن این نهاد، در جهان معاصر، به لحاظ عبور از دوران زندگی قبیله‌ای می‌باشند؛ در مقابل، برخی دیگر، نهاد مزبور را به عنوان یکی از احکام اسلام، جهان شمول و اعتبار آن را استصحاب می‌نمایند.

واژگان کلیدی: ضمان عاقله، خطای محض، دیه موضحه، طبقات ارث، مسئولیت بیت المال



گفتار نخست - تعریف عاقله

نخست - عنصر قانونی

ماده ۴۶۸ ق.م.ا. (۱۳۹۲) - «عاقله عبارت از پدر، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است. همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند، به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می‌باشند».

حکم مندرج در این ماده برگرفته از مفاد ماده ۳۰۷ ق.م.ا. (۱۳۷۰) است که مقرر می‌داشت: «عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود. تبصره - کسی که با عقد ضمان جریره دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می‌شود».

دوم - نکات مربوط به این ماده:

۱- متن این ماده برگرفته از روایاتی است که از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است و فقها هم بر اساس آنها فتوا داده‌اند.
۲- مسئولیت عاقله صرفاً در مورد جنایت و صدمات جسمانی است و طبق ماده ۴۶۶ در مورد خسارت مالی، مرتکب خود ضامن است.

۳- برخی از حقوقدانان مسئولیت عاقله را از مصادیق مسئولیت ناشی از فعل غیر می‌دانند^(۱) و برخی دیگر معتقدند که مسئولیت مستقلی است؛ زیرا عاقله برخلاف شخص ثالث مرتکب تقصیری نشده است.^(۲)
۴- در این مورد که ضمان عاقله جزء احکام وضعی است یا تکلیفی، اختلاف نظر وجود دارد.^(۳) در صورت نخست، ضمان اولاً و بالذات بر عهده عاقله است؛ و در صورت دوم، بر عهده جانی است و عاقله صرفاً به عنوان یک حکم تکلیفی مکلف به

پرداخت آن است و ثمره بحث آن است که در صورت نخست چنانچه عاقله تمکن پرداخت نداشته باشد بیت‌المال پرداخت می‌کند و مرتکب مسئولیتی ندارد، ولیکن در صورت دوم چنانچه عاقله تمکن مالی نداشته باشد مرتکب پرداخت می‌کند و نوبت به بیت‌المال نمی‌رسد.

۵- در نقد ماده ۴۶۸ گفته شده است: مسئله عاقله به نظام قبیله‌ای اختصاص داشته و نه جامعه امروزی؛ و لذا نباید بستگان جانی را مسئول پرداخت دیه قلمداد کرد؛ زیرا از نظر تاریخی عاقله همان کسانی بودند که در یک قبیله با نظام خاص به خود زندگی می‌کردند؛ مضافاً آن که لفظ عاقله مجمل است و در حکم مخالف با اصل باید به قدر متیقن اکتفا کرد. همچنین اجماع فقها و اصحاب نیز در آن قضیه نمی‌تواند معتبر باشد؛ زیرا این اجماع یک اجماع مدرکی است و وضع مدارک آن (قبیله‌ای بودن) نیز ذکر شده است؛ ضمن آن که این حکم اختصاص به مردم حجاز نداشته و در جایی که احکام و شرایط آن وجود داشته باشد جاری می‌شود.^(۴) در عین حال برخی، نظریه اخیر را رد کرده و معتقدند که نهاد عاقله به اعتبار جهانی بودن احکام اسلام و اینکه به زمان و مکان خاصی تعلق ندارد، در تمامی جوامع قابل اجرا است.^(۵)

۶- عاقله پس از پرداخت دیه حق رجوع به جانی را ندارد و اگر از پرداخت امتناع کند، برخلاف تکلیف شرعی خود عمل کرده و لذا نمی‌توان وی را از جنبه کیفری تعقیب کرد. فقها نیز معتقدند که عاقله پس از پرداخت دیه حق رجوع به قاتل به منظور گرفتن آنچه پرداخته است را ندارد.^(۶)

۷- با عنایت به ماده ۴۶۷ ق.م.ا. دیه به ترتیب طبقات ارث بر عاقله توزیع می‌شود؛ یعنی با بودن طبقه اول، به طبقه دوم؛ و با بودن طبقه دوم، به طبقه سوم تعلق

نمی‌گیرد، ولی در میان افراد یک طبقه به‌طور مساوی تقسیم می‌شود.

۸- چنانچه عاقله طبقه اول توانایی پرداخت دیه را نداشته باشد، همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند، به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه هستند؛ لذا با وجود عاقله طبقه اول، نوبت به سایر طبقات نمی‌رسد و در صورت اعسار عاقله مسئول، برابر ماده ۴۷۰ دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

۹- فلسفه و حکمت ضمان عاقله عبارت است از:

نخست، تضامن متقابل؛ یعنی ضمان عاقله نوعی بیمه خانوادگی است؛

دوم، تقابل یا ارث: همان‌گونه که بستگان به واسطه فوت فایده (ارث) می‌برند به واسطه قتل خطایی هم باید خسارت بدهند و عاقله مصداق قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم» است؛

سوم، بازدارندگی؛ یعنی خویشاوندان برای آن که خسارت نپردازند، به اقوام خود توصیه می‌کنند که احتیاط‌های لازم را در امور به عمل آورند؛

چهارم، احترام به خون مسلمان؛ چون بعضاً مرتکب قتل خطایی معسر است و نباید خون مسلمان به هدر رود. مسئولیت عاقله در قتل‌های عمد و شبه‌عمد مصداق ندارد؛ زیرا ممکن است موجب تشجیع جانی شود.^(۷)

۱۰- عاقله مسئول پرداخت دیه خطای محض است و عنوان مجرم بر او صادق نیست و متهم محسوب نمی‌شود و از آنجا که اخذ تأمین‌های کیفری فقط از متهم تجویز شده است، لذا اخذ تأمین از عاقله مجوزی ندارد، مضافاً موجبی برای تفهیم اتهام به عاقله نیست؛ با این وجود استماع اظهارات وی در دادگاه ضروری است.

۱۱- مقنن در این ماده و در موارد مختلف



صرفاً به «پرداخت دیه از ناحیه عاقله» اشاره کرده است؛ و نه بر محکومیت عاقله به پرداخت دیه؛ بنابراین مرتکب به جهت جنایت خطای محض محکوم می‌شود و عاقله از باب عمل به حکم تکلیفی تبعیدی نسبت به پرداخت آن اقدام می‌کند. این معنا که دلالت بر تکلیفی بودن مسئولیت عاقله دارد از ماده ۴۷۰ ق.م.ا. نیز قابل استنباط است و از سوی دیگر، هرگاه عاقله پیش از پرداخت دیه فوت کند، با فرا رسیدن زمان پرداخت، دیه از اموال او تأمین می‌شود؛ لیکن هرگاه مهلت پرداخت دیه نرسیده باشد، مسئولیتی متوجه وی نیست.^(۹)

۱۲- طبقات مختلف را نمی‌توان در پرداخت دیه با هم جمع کرد؛ بلکه باید طبق ترتیب طبقات ارث، عاقله را مسئول پرداخت دیه قاتل خطای محض دانست و لذا با بودن طبقه اول، طبقه دوم و سوم عاقله محسوب نمی‌شوند. اداره حقوقی قوه قضاییه در این خصوص اعلام داشته است: «از نحوه بیان ماده ۴۶۸ ق.م.ا. (۱۳۹۲) در مورد معرفی عاقله، معلوم است که مسئولیت عاقله در مقابل تعلق ارث قرار گرفته است؛ زیرا قانون‌گذار در این مورد گفته است: «همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند، به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه هستند». لذا با وجود عاقله ارث بر نوبت به سایر طبقات نمی‌رسد و در صورت اعسار عاقله مسئول، برابر ماده ۴۷۰ قانون مرقوم دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود».^(۱۰)

گفتار دوم- اوصاف شخصی عاقله مسئول

نخست- عنصر قانونی

ماده ۴۶۹ ق.م.ا. (۱۳۹۲)- «عاقله در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن نسب مشروع، عاقل، بالغ و در مواعد پرداخت

اقساط دیه، تمکن مالی داشته باشد». این ماده به نوعی مفهوم مخالف ماده ۳۰۸ ق.م.ا. (۱۳۷۰) را انشائی می‌کند که بیان می‌داشت: «نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی‌شود و عهده‌دار دیه قتل خطایی نخواهد بود».

دوم- نکات مربوط به این ماده:

۱- با توجه به ظاهر این ماده می‌توان گفت که نابالغ و دیوانه نیز عاقله محسوب می‌شوند؛ لیکن مسئولیت پرداخت دیه را ندارند؛ برخلاف ماده ۳۰۸ قانون سابق که به صراحت مقرر می‌داشت: «نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی‌شوند».

۲- شخصی که نسب غیرمشروع دارد؛ مانند ولدالزنا، عاقله محسوب نمی‌شود.

۳- تمکن یا عدم تمکن عاقله حین وقوع جرم مهم نیست؛ بلکه عاقله در صورتی مسئولیت دارد که هنگام پرداخت دیه تمکن مالی داشته باشد.

۴- نظر به اینکه مسئولیت عاقله به پرداخت دیه، ناشی از قانون و امری تکلیفی است نه ناشی از ارتکاب جرم یا مسئولیت کیفری، لذا چنانچه دیه را نپردازد مجوزی برای بازداشت عاقله وجود ندارد و لکن چنانچه مالی داشته باشد، می‌توان با فروش اموال وی دیه را اخذ کرد و همچنین نیازی به تقدیم دادخواست اعسار توسط عاقله نیست.^(۱۱)

۵- تصور کنید؛ فردی به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی در دادگاه بدوی به پرداخت دیه محکوم شده و دادگاه تجدیدنظر با نقض رأی اولیه به لحاظ احراز جنون، در خصوص جنبه عمومی قرار موقوفی تعقیب صادر کرده و پرونده را جهت صدور حکم علیه عاقله در خصوص دیه به دادگاه بدوی ارسال کرده است. با توجه به ارائه دادرسی از ناحیه وکیل متهم مبنی بر اینکه عاقله وی (پدر) نیز مجنون است، صدور حکم

مستلزم شناسایی و احضار دیگر عاقله‌ها نمی‌باشد. در این فرض، همه کسانی که در زمان فوت می‌توانند ارث ببرند، به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه هستند لذا با وجود عاقله مسئول در طبقه اول، نوبت به سایر طبقات نمی‌رسد و در صورت اعسار عاقله مسئول، برابر ماده ۴۷۰ دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و نوبت به عاقله طبقات بعدی نمی‌رسد.

۶- در صورت ثبوت دیه بر عهده عاقله، با فوت وی پرداخت آن از محل ترکه وی صورت خواهد گرفت.

۷- در صورتی که عاقله جزء ورثه باشد و توانایی مالی جهت پرداخت دیه نداشته باشد، سهم وی از دیه‌ای که مکلف به پرداخت آن است کسر می‌شود. در این صورت دیه متعلقه به دیگر اولیای دم از بیت‌المال پرداخت می‌شود و موجب قانونی جهت پرداخت دیه به عاقله (که خود مکلف به پرداخت آن بوده است)، از بیت‌المال وجود ندارد.

۸- تصور کنید؛ یکی از چهار برادر که مجنون بوده، برادرزاده خود را به قتل می‌رساند. مقتول دارای فرزند و همسر است. پدر مقتول که در عین حال عاقله محسوب می‌شود، دارای تمکن مالی است. دو برادر دیگر شرایط پرداخت دیه به عنوان عاقله را ندارند؛ در این خصوص:

نخست، اجتماع ولی‌دم و عاقله در یک فرد بدون اشکال است؛ بنابراین پدر مقتول با فرض تمکن مالی دیه را می‌پردازد و در صورت عدم تمکن، طبق مقررات، از بیت‌المال مطالبه می‌کند.

دوم، ملاک در تمکن افراد عاقله، تمکن نسبی است و هر یک از عاقله به مقداری که توانایی دارد مسئولیت پرداخت دارد و برای دیه مازاد به بیت‌المال مراجعه می‌شود.

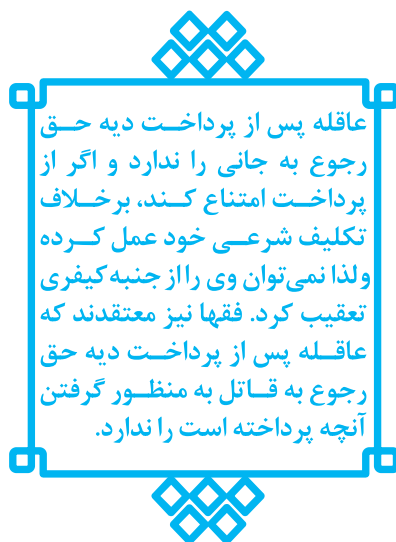


۵- با توجه به ماده ۴۴۹ ق.م.ا. (۱۳۹۲) که مقرر می‌دارد: «... مقررات دیه در مورد ارش نیز جریان دارد مگر اینکه در این قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد»، چنانچه ارش صدمه وارده از ناحیه نابالغ کمتر از دیه موضعه باشد بر عهده عاقله نیست.

۶- با توجه به مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ ق.م.ا. (۱۳۹۲) مسئول پرداخت دیه جنایات‌های وارده کمتر از موضعه توسط نابالغ یا مجنون، خودشان هستند که توسط اولیاء و سرپرستان قانونی از مال آنها پرداخت می‌شود.

۷- در پرونده‌ای متهم نوجوان ۱۴ ساله‌ای است که راکب موتورسیکلت بوده، اقدام به ایراد صدمه بدنی غیرعمدی بر اثر بی‌احتیاطی در امر رانندگی نسبت به عاقله خود به عنوان سرنشین موتور کرده است و پزشکی قانونی چنین اظهارنظر کرده است: «در رفتگی مفصل شانه راست داشته که ارش آن به میزان چهار درصد دیه کامل انسان است؛ نقص عضو و محدودیت حرکتی شانه راست که ارش آن چهار و نیم درصد دیه کامل است؛ آسیب تاندون روتاتور کاف شانه راست که ارش آن به میزان یک درصد دیه کامل است». از طرفی با توجه به ماده ۴۶۷ ق.م.ا، ضمان عاقله منوط به آن است که دیه هر آسیب به‌طور جداگانه به دیه موضعه برسد؛ بنابراین (۱) براساس تبصره ماده ۴۶۷ ق.م.ا، اگر در یک حادثه خطایی چندین صدمه به یک عضو و یا چند عضو مصدوم وارد شود و به هیچ‌کدام از آنها موضعه و بالاتر از آن صدق نکند، هر چند که مجموع دیه آنها به مقدار دیه موضعه و یا بیشتر برسد، ضمان به عهده خود جانی است نه عاقله. در فرض سؤال نیز چون نوع هر یک از صدمات مذکور غیر از دیگری

«جنایات‌های» مستوجب کمتر از پنج‌صدمه دیه کامل است، نه «جراحات‌های» اصطلاحی مشتمل بر «حارصه»، «دامیه»، «متلاحمه» و «سمحاق». هر جنایتی که دیه آن کمتر از پنج درصد باشد، مسئول پرداخت آن شخص جانی است نه عاقله؛ هر چند که عنوان جراحت بر آن صدق نکند؛ زیرا ماده مرقوم تعبیر «جنایات‌های» کمتر از موضعه دارد نه «جراحات‌های» کمتر از موضعه؛ پس اطلاق آن شامل تمام جنایات‌های مستوجب دیه کمتر از دیه موضعه می‌شود؛ حتی اگر نوع جنایت جراحت نباشد؛ نظیر صدمات موجب تغییر رنگ؛ موضوع بندهای «الف» و «ب» ماده ۷۱۴ ق.م.ا. (۱۳۹۲)^(۱۳) و سقط جنین؛ موضوع بندهای «الف» و «ب» ماده ۷۱۶ همین قانون.^(۱۴)



۳- عاقله متهم نیست و فقط مکلف به پرداخت دیه است؛ بنابراین بازداشت او جایز نیست.

۴- کبیر شدن قاتلی که در زمان قتل نابالغ بوده تأثیری در مسئولیت عاقله نسبت به پرداخت دیه ندارد؛ مع‌ذلک اگر مرتکب شخصاً بخواهد پرداخت کند منع قانونی ندارد.

سوم، چنانچه در یک طبقه یک عاقله از سه عاقله تمکن مالی داشته باشد، سهم دیگران از دیه، به بیت‌المال بار می‌شود.

گفتار سوم- جنایت متعلق تکلیف عاقله

نخست- عنصر قانونی

ماده ۴۶۷ ق.م.ا. (۱۳۹۲)^(۱۲) «عاقله مکلف به پرداخت دیه جنایات‌های کمتر از موضعه نیست، هر چند مرتکب نابالغ یا مجنون باشد.

تبصره- هرگاه در اثر یک یا چند ضربه خطایی، صدمات متعددی بر یک یا چند عضو وارد آید، ملاک رسیدن به دیه موضعه، دیه هر آسیب به‌طور جداگانه است و برای ضمان عاقله، رسیدن دیه مجموع آنها به دیه موضعه کافی نیست». حکم این ماده برگرفته از ذیل ماده ۳۰۶ ق.م.ا. (۱۳۷۰) و تبصره آن است که بیان می‌داشت: «در خطای محض دیه قتل و همچنین دیه جراحت (موضعه) و دیه جنایات‌های زیادتر از آن به عهده عاقله می‌باشد و دیه جراحات‌های کمتر از آن به عهده خود جانی است.

تبصره- جنایت عمد و شبه‌عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطای محض و بر عهده عاقله می‌باشد».

دوم- نکات مربوط به این ماده:

۱- از نظر فقهی در این خصوص که مسئولیت عاقله نسبت به کدام جنایت‌هاست، اختلاف نظر وجود دارد؛ لیکن قانون مجازات اسلامی به صراحت مقرر کرده است که مسئولیت عاقله در مورد جراحات‌ها هنگامی برقرار می‌شود که دیه جراحت بیشتر از دیه موضعه باشد؛ مانند هاشمه، منقله، مأمومه و دامغه.

۲- برابر این ماده، مراد مقنن از عبارت «جنایات‌های کمتر از موضعه»،

است و آسیب‌ها به گونه‌ای متصل به هم نیستند که عرفاً یک صدمه لحاظ شود، بر اساس مواد ۵۴۱ و ۵۴۳ ق.م.ا (۱۳۹۲)^(۱۵) صدمات در هم تداخل نکرده و هر یک باید مستقل محاسبه گردد و به دلیل اینکه دیه هر یک از صدمات به‌طور مستقل کمتر از دیه موضعه است، خود مرتکب نسبت به پرداخت دیه ضامن است. ۲) بر اساس «قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۹۵»، در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه دارای بیمه‌نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه‌گر است و در صورتی که وسیله نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده ۲۱ این قانون^(۱۶) باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده ۲۵ این قانون^(۱۷) جبران می‌شود؛ لیکن چون راننده مسبب نابالغ و فاقد گواهی‌نامه رانندگی بوده، بیمه‌گر مکلف است بدون هیچ شرط و اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای باز یافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت‌شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه کند. بدیهی است اگر اولیاء و مستحفظین در نگهداری نابالغ تقصیر کرده باشند، خود از باب تسبیب ضامن خواهند بود.

۸- با عنایت به ماده ۴۶۷ ق.م.ا که دیه کمتر از موضعه بر عهده خود مرتکب است، چنانچه در مرحله اجرای احکام، مالی از مرتکب کشف نشود:

نخست، اگر مرتکب در زمان ارتکاب، صغیر یا مجنون بوده و در زمان اجرای حکم نیز همچنان صغیر یا مجنون باشد، با عنایت

به اینکه طبق ماده ۴۶۷ دیه آن به عهده عاقله نیست، در صورتی که مالی از آنها کشف نشود، نمی‌توان دیه را از بیت‌المال پرداخت کرد؛ بلکه باید صبر کنند که خود آنها دارای مال شوند.



نظر به اینکه مسئولیت عاقله به پرداخت دیه، ناشی از قانون و امری تکلیفی است نه ناشی از ارتکاب جرم یا مسئولیت کیفری، لذا چنانچه دیه را نپردازد مجوزی برای بازداشت عاقله وجود ندارد و لکن چنانچه مالی داشته باشد، می‌توان با فروش اموال وی دیه را اخذ کرد و همچنین نیازی به تقدیم دادخواست اعسار توسط عاقله نیست.



دوم، اگر مرتکب در زمان ارتکاب، صغیر یا مجنون بوده؛ لیکن در زمان اجرای حکم بالغ شده یا افاقه حاصل شود، در صورت وجود اموال برای آنان و ممانعت آنها از دادن مال یا عدم اعسار از محکوم‌به، مانعی برای اعمال ماده ۳ ق.ن.ا.م.^(۱۸) نیست.

۹- تصور کنید، شخصی که ۱۴ سال سن دارد با مشیت به صورت دیگری زده که باعث شکستگی استخوان صورت (منقله) شده است. با توجه به ماده ۴۶۷ ق.م.ا پرسش‌های زیر مطرح است:

نخست، در خصوص مسئولیت عاقله، علاوه بر دیه جراحات منقله، نسبت به ارش عمل جراحی صورت به میزان دو درصد دیه کامل، باید گفت: جانی تنها ضامن دیه یا ارش جنایت مستقیم خود یا سرایت آن است، نه مسئول آثار و تبعات غیرمستقیم و دور جنایت خود. عملیات جراحی را نمی‌توان به جنایت مستقیم

جانی منتسب کرد و همچنین نمی‌توان آن را سرایت فعل زیان‌بار دانست. از سوی دیگر، عملیات پزشکی و ایجاد جرح جدید به عنوان عملیات درمانی است که با اجازه و براءت مجنی‌علیه یا ولی او صورت گرفته است. طبق فتوای بیشتر مراجع تقلید نیز جانی را نمی‌توان افزون بر دیه یا ارش جنایت ارتکابی، به پرداخت دیه یا ارش به دلیل جراحات و صدمات زاید ناشی از عمل جراحی ملزم کرد. طبق نظریه اداره حقوقی قوه قضاییه نیز خسارات جراحات ناشی از عمل جراحی قابل مطالبه نیست. دوم، در صورتی که صدمات دیگری غیر از موضعه وجود داشته باشد که عاقله مکلف به پرداخت آن نبوده و خود متهم نیز اموالی نداشته باشد، دیه توسط ولی از مال نابالغ یا دیوانه داده می‌شود یا باید منتظر ماند تا صغیر بالغ و از او اخذ شود؛ البته همچنان که بیان شد، مشروط بر اینکه ولی در نگهداری وی کوتاهی نکرده باشد؛ وگرنه او ضامن است.

اداره حقوقی قوه قضاییه در این خصوص آورده است: «در مواردی که قانوناً خود طفل ضامن پرداخت دیه (دیه جراحات کمتر از موضعه) و خسارات است، دادگاه اطفال و نوجوانان با دعوت ولی یا قیم وی و استماع مدافعات آنها، حکم به پرداخت دیه یا خسارات از اموال طفل را صادر می‌کند. ضمناً با توجه به مواد ۱۱۸۳ و ۱۲۱۶ ق.م.ا (۱۳۰۷)^(۱۹) و اصلاحات و الحاقات بعدی،^(۲۰) ولی طفل ملزم نیست خسارات وارده از ناحیه طفل را از مال خود جبران کند؛ مگر اینکه مورد مشمول ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹^(۲۱) باشد و لذا در صورت وجود مسئولیت مدنی طفل در پرداخت خسارت، ادای آن از مال طفل برعهده ولی وی است و چون ولی شخصاً متهم نمی‌باشد، قابل بازداشت نمی‌باشد».



غیرممیز که مرتکب جنایت شده فقیر باشد و امیدی به تمکن بعدی ایشان نباشد، مسئول دانستن بیت‌المال موجه نیست و با توجه به اصل شخصی بودن مسئولیت و استثنا بودن مسئولیت بیت‌المال، نباید بیت‌المال را مسئول عمل شخص جانی دانست؛ بلکه باید از اموال خود طفل یا مجنون دیه را اخذ کرد و اگر مالی ندارد، باید صبر کرد تا مالی کسب کند.

اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب یک نظریه مشورتی^(۲۷) در خصوص استثنایی بودن مسئولیت بیت‌المال چنین اعلام داشته است: «در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، موارد پرداخت دیه از بیت‌المال بیان شده است و موضوع سؤال منطبق با هیچ یک از شقوق مذکور نیست و با توجه به اینکه پرداخت دیه از بیت‌المال امری استثنایی و محتاج نص است، لذا پاسخ منفی است». همچنین در نظریه مشورتی دیگری^(۲۸) چنین بیان می‌دارد: «اصولاً پرداخت دیه به عهده مرتکب جرم است و پرداخت آن از بیت‌المال امری استثنایی است».

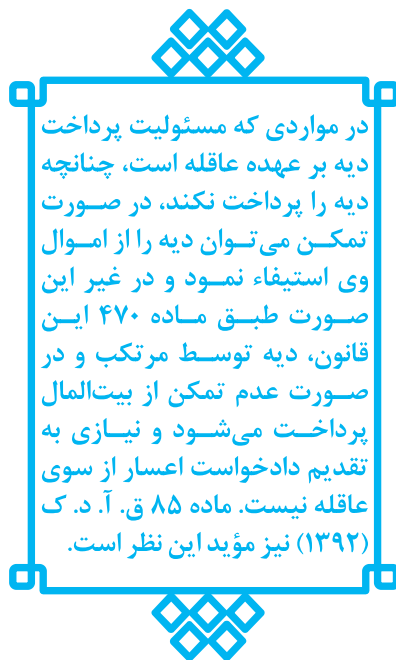
۱۴- بر اساس ماده ۵۵۷ ق.م.ا (۱۳۹۲)^(۲۹) دیه جنایت بر عضو و منافع در ماه‌های حرام تغلیظ نمی‌شود؛ بنابراین چنانچه جراحتی کمتر از موضعه در ماه‌های حرام تحقق یابد، با توجه به اینکه تغلیظ نمی‌شود، جانی مسئول پرداخت دیه خواهد بود و نوبت به عاقله نمی‌رسد.

گفتار چهارم- مسئول پرداخت دیه در صورت فقدان عاقله یا عدم تمکن مالی وی

نخست- عنصر قانونی

ماده ۴۷۰- «در صورتی که مرتکب، دارای عاقله نباشد، یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد،

دیه سپری نشود، نمی‌توان به یقین گفت که عاقله توان پرداخت دیه را ندارد؛ بنابراین چنانچه عاقله نتواند ظرف سه سال [طبق] مهلت‌های مندرج در قانون نسبت به پرداخت دیه اقدام کند، چنانچه موضوع، حسب مورد مشمول مواد ۴۳۵ و ۴۷۵ و ۴۷۶ ق.م.ا. باشد، دادگاه صادرکننده حکم، دستور پرداخت دیه از بیت‌المال را صادر می‌کند.



۱۲- ملاک در تمکن افراد عاقله، تمکن نسبی است و هر یک از عاقله به مقداری که توانایی دارد مسئولیت پرداخت دارد و برای دیه مازاد به افراد سایر طبقات مراجعه می‌شود و در فرض فقدان و یا عدم تمکن به بیت‌المال مراجعه می‌شود.

۱۳- در مواردی که صغیر و مجنون مرتکب جرم شده و جراحت نیز کمتر از موضعه است، ولی و عاقله مسئولیتی ندارند و دیه بر عهده صبی و مجنون است که یا توسط ولی از مال نابالغ و دیوانه داده می‌شود یا باید منتظر ماند تا صبی بالغ و از او اخذ شود.

همچنین، در صورتی که مجنون یا صغیر

همچنین در نظریه مشورتی دیگری^(۳۲) در خصوص امکان بازداشت فرد غیررشید به واسطه نپرداختن دیه آمده است: «در فرض سؤال که محکوم به پرداخت دیه فردی ۱۷ ساله است، چنانچه مهلت‌های مقرر در ماده ۴۸۸ ق.م.ا (۱۳۹۲) منقضی شده است، با توجه به تبصره دو ماده ۱۲۱۰ ق.م. (۳۳) و لحاظ رأی وحدت رویه شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۳^(۳۴) چون مداخله محکوم‌علیه مذکور در امور مالی مستلزم اثبات رشد است، لذا چنانچه رشد وی در محکمه احراز نشده است، حسب مورد ولی قهری یا قیم وی باید نسبت به پرداخت محکوم‌به مالی (دیه) از اموال شخص محکوم‌علیه بالغ غیررشید اقدام کند و اعمال مقررات ماده ۳ ق.ن.م.ا (۱۳۹۴)^(۳۵) در مورد وی موضوعاً منتفی است و ولی قهری و قیم نیز قانوناً مسئولیتی در پرداخت محکوم‌به از اموال خود ندارد؛ لیکن چنانچه حکم رشد وی در محکمه صادر شده است، امکان اجرای ماده مرقوم در مورد محکوم‌علیه مالی ۱۷ ساله رشید وجود دارد و در صورت حبس وی با اعمال این مقررات، مطابق ماده ۵ این قانون، جدا از محکومین کیفری نگهداری می‌شود».

۱۰- در مورد صدمات کمتر از موضعه، با توجه به اینکه مطابق ماده ۴۶۷ ق.م.ا عاقله مسئولیت ندارد. به استناد مواد ۴۶۲ و ۴۶۷ ق.م.ا، مسئول پرداخت دیه جنایت‌های کمتر از موضعه وارده از سوی نابالغ یا مجنون، خودشان هستند که توسط اولیاء و سرپرستان قانونی از مال آنها پرداخت می‌شود.^(۳۶)

۱۱- احراز عدم تمکن عاقله نسبت به پرداخت دیه منوط به گذشت مهلت پرداخت دیه است؛ زیرا تمکن مالی و اعسار از پرداخت امری حادث است و لذا تا زمانی که مهلت سه ساله برای پرداخت



دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست». حکم این ماده در ماده ۳۱۲ ق.م.ا. (۱۳۷۰) بیان شده بود که مقرر می‌داشت: «هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد، دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود».

دوم- نکات مربوط به این ماده:

۱- این ماده در مقام بیان موارد زیر است: نخست، در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن، از بیت‌المال پرداخت می‌شود و در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست.

دوم، چنانچه عاقله به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب پرداخت می‌شود و در صورت عدم تمکن مالی مرتکب، دیه از بیت‌المال پرداخت خواهد شد و در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست. ۲- در صورت فوت عاقله پیش از پرداخت دیه، چند احتمال وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه دیه مستقر شده است، لذا از محل اموال عاقله استیفا می‌شود.

۳- چنانچه پس از صدور حکم بر محکومیت، مرتکب فوت کند، وصول دیه از ماترک متوفی یا عاقله و یا از محل بیت‌المال منوط به تقدیم دادخواست نیست و قاضی اجرای احکام بر اساس ماده ۳۱ ق.ا.م. (۱۳۵۶) باید دیه را به اشخاصی که حکم دیه به نفع آنان صادر شده است پرداخت کند.^(۳۱)

۴- چنانچه در حادثه رانندگی منجر به صدمه بدنی غیرعمدی، راننده مقصر که هویت وی ناشناس مانده است متواری شود، مطابق ماده ۴ قانون بیمه اجباری

خسارت وارده شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵^(۳۲) (ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسیله نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث مصوب ۱۳۸۷)،^(۳۳) پرداخت خسارت بدنی اشخاص ثالث به عهده صندوق تأمین خسارت‌های بدنی است و شخص ثالث زیان دیده مستنداً به ماده ۱۴ همان قانون^(۳۴) می‌تواند با ارائه مدارک لازم؛ از جمله گزارش افسر کاردان تصادفات راهنمایی و رانندگی یا گزارش پلیس راه برای دریافت خسارت به‌طور مستقیم به صندوق مذکور مراجعه کند و نیازی به صدور حکم از سوی دادگاه و کیفرخواست نیست و دادسرا یا دادگاه، زیان دیده یا اولیای دم را جهت دریافت دیه به صندوق یادشده دلالت می‌کنند و چنانچه صندوق از پرداخت دیه خودداری کند، با عنایت به رأی وحدت رویه شماره ۷۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، زیان دیده یا اولیای دم می‌توانند جهت مطالبه دیه اقدام کنند و در این خصوص دادسرا تکلیف دیگری ندارد؛ اما در رابطه با جنبه عمومی جرم، پرونده تا معرفی و دستگیری متهم در دادسرا مفتوح می‌ماند و صدور قرار منع تعقیب به علت ناشناس بودن راننده مقصر، وجه قانونی ندارد. اداره حقوقی قوه قضاییه به موجب یک نظریه مشورتی^(۳۶) در خصوص ترتیب مطالبه از بیت‌المال چنین بیان داشته است: «مجنی علیه بدو باید در دادسرا اقدام به طرح شکایت نماید و اقدامات لازم برای شناسایی متهم به عمل آید. چنانچه متهم شناسایی نشود، به درخواست مجنی علیه، پرونده با عنایت به ماده ۸۵ ق. آ. د. ک (۱۳۹۲)^(۳۷) به دادگاهی که در این مورد صلاحیت دارد ارسال می‌شود تا با توجه به

۵- در صورت مطالبه دیه توسط شاکی یا اولیای دم از بیت‌المال به استناد مواد ۴۷۰ و ۴۸۷ ق.م.ا. (۱۳۹۲)^(۳۹) پرونده کیفری بدون صدور قرار مجرمیت و کیفرخواست به دادگاه کیفری ارسال می‌شود و دادگاه با بررسی موضوع و احراز شرایط قانونی، حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال صادر می‌کند. ۶- مسئولیت عاقله به پرداخت دیه، ناشی از قانون و یک حکم تکلیفی است؛ نه ناشی از جرم یا مسئولیت کیفری عاقله؛ بنابراین مجوزی برای جلب و بازداشت و تفهیم اتهام به عاقله وجود ندارد. اگر عاقله متمکن باشد، می‌توان دیه را از اموال وی استیفا کرد و در غیر این صورت، طبق ماده ۴۷۰ این قانون دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود.^(۴۰)



۷- بر اساس این ماده، مسئولیت عاقله در پرداخت دیه یک حکم تکلیفی است نه وضعی؛ و منظور از تکلیفی بودن آن است که مرتکب شخصاً مسئول است، لیکن عاقله از باب عمل به یک حکم تکلیفی تبعیدی نسبت به پرداخت اقدام می‌کند و منظور از وضعی بودن حکم آن است که مسئولیت از همان ابتدا بر ذمه عاقله تعلق گرفته است؛ بنابراین با توجه به تکلیفی بودن مسئولیت عاقله، هرگاه توان پرداخت دیه را نداشته باشد، خود جانی پرداخت می‌کند و چنانچه جانی نیز قادر به پرداخت نباشد از بیت‌المال پرداخت می‌شود.

۸- «صرف اعلام ضابطان دادگستری مبنی بر معسر بودن عاقله، کافی برای صدور حکم اعسار نیست؛ بلکه بر عهده دادگاه است که با رسیدگی‌های مقتضی از هر طریقی واقع امر را احراز کند و لازم نیست که حتماً با تقدیم دادخواست اعسار باشد. اگر دادرای مجری حکم هم این امر را احراز کند می‌تواند به دادگاه مربوط اعلام تا دادگاه تصمیم مقتضی اتخاذ کند. در هر حال، پرداخت دیه از بیت‌المال مستلزم صدور حکم از ناحیه دادگاه است»^(۴۱)

۹- تمکن برای پرداخت دیه، امری موضوعی است که در هر مورد باید احراز شود؛ بنابراین اگر ملائت عاقله حالت سابق داشته باشد و برای قاضی محرز شود، اصل بر ملائت عاقله است؛ مگر آن که عدم تمکن مالی توسط عاقله ثابت شود؛ اما اگر حالت سابق ملائت ثابت نشود، اولیای دم باید ملائت عاقله را اثبات کنند و در غیر این صورت، با یک سوگند عدم تمکن مالی عاقله ثابت می‌شود و در این صورت پس از مهلت مقرر، باید حکم به پرداخت دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن مالی مرتکب، حکم به پرداخت دیه از محل بیت‌المال داد.

۱۰- تصور کنید؛ طفلی مرتکب جنایت شده و عاقله وی به پرداخت دیه محکوم شده و حکم تا زمان بلوغ مرتکب اجرا نشده است و در زمان اجرای حکم، مرتکب بالغ، رشید و متمکن است. بنابراین:

نخست، عاقله و محکومیت وی به پرداخت دیه، مرتبط به زمان صغر مرتکب و تاریخ ارتکاب جرم بوده و کبیر شدن مرتکب تأثیری در مسئولیت عاقله ندارد و مسئولیت عاقله را زایل نمی‌کند؛ اما چنانچه عاقله تمکن مالی نداشته باشد، با توجه به ماده ۴۷۰ این قانون می‌توان دیه را از اموال مرتکب اعم از آن که کبیر شده باشد و یا هنوز در سن صغر باشد، وصول کند. دوم، در مواردی که مسئولیت پرداخت دیه بر عهده عاقله است، چنانچه دیه را پرداخت نکند، در صورت تمکن می‌توان دیه را از اموال وی استیفاء نمود و در غیر این صورت طبق ماده ۴۷۰ این قانون، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود و نیازی به تقدیم دادخواست اعسار از سوی عاقله نیست. ماده ۸۵ ق. آ. د. ک (۱۳۹۲) نیز مؤید این نظر است. در هر حال، چنانچه عاقله برای اثبات عدم تمکن خود مطابق مقررات حقوقی دادخواست اعسار تقدیم کند، این دعوا نیز قابل رسیدگی و استماع است و در صورت اثبات اعسار، وفق ماده ۴۷۰ ق. م. ا (۱۳۹۲) عمل می‌شود.^(۴۲)

۱۱- با توجه به ماده ۴۷۰ ق. م. ا (۱۳۹۲)، زمانی که قتل از نوع خطای محض باشد، تا زمانی که عاقله مدعی اعسار از پرداخت دیه نباشد، تحقیق در خصوص وضعیت مالی عاقله مبنی بر تمکن یا عدم تمکن بی‌معناست و موضوع اعسار هم صرفاً پس از صدور رأی از دادگاه موضوعیت می‌یابد؛ بنابراین پس از صدور رأی قطعی مبنی بر

پرداخت دیه توسط عاقله، چنانچه وی مدعی اعسار باشد، با جری تشریفات قانونی، دادیار اجرای احکام پرونده را جهت تعیین تکلیف و صدور حکم اعسار به دادگاه ارسال می‌کند.

۱۲- در پرونده‌ای شخص مجنون به اتهام ایراد ضرب و جرح عمدی به پرداخت دیه در حق شاکی محکوم شده است که پس از تجدید نظرخواهی، دادگاه تجدید نظر استان با استدلال بر اینکه میزان دیه مقرر بیش از موضحه است، عاقله را به پرداخت دیه محکوم و رأی صادره را تأیید کرده است. حال پس از گذشت موعد پرداخت دیه و عدم پرداخت دیه و عدم تمکن مالی عاقله، شاکی وفق ماده ۴۷۰ این قانون درخواست پرداخت دیه از بیت‌المال را کرده است. در این خصوص:

نخست، محکومیت بیت‌المال به پرداخت دیه توسط دادگاه کیفری مستلزم تقدیم دادخواست حقوقی نیست، لکن دادگاه باید مقررات تبصره الحاقی به ماده ۳۴۲ ق. آ. د. ک (۱۳۹۲)^(۴۳) مبنی بر دعوت از دستگاه پرداخت‌کننده دیه از بیت‌المال را رعایت کند.

دوم، مرجع صدور حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال، دادگاه بدوی است؛ زیرا رأی صادره از این دادگاه، قابلیت تجدیدنظرخواهی دارد.

۱۳- تصور کنید؛ فردی نابالغ اقدام به قتل خطای محض کرده و عاقله محکوم به پرداخت یک فقره دیه کامل مرد مسلمان به علاوه ثلث دیه از جهت تغلیظ به سبب وقوع قتل در ماه حرام شده است و حسب اقدامات قضایی و تحقیقات صورت گرفته از عاقله، نامبردگان پس از حضور در شعبه اجرای احکام اظهار داشته‌اند که توان و استطاعت پرداخت دیه مقرر را ندارند. پرونده به استناد ماده ۴۷۰ ق. م. ا.



جهت جلوگیری از تضییع حقوق الناس و هدر رفتن خون مسلمان، به دادگاه ارسال شده و دادگاه صادرکننده رأی مرقوم کرده است: «اصل بر ملائت عاقله بوده و اجرای احکام می‌بایست بر اساس ماده ۴۶۸ ق.م.ا. اقدام کند». در این خصوص، بر اساس ماده ۷ ق.ن.ا.م.م. (۱۳۹۴) (۴۴) اگر ملائت عاقله حالت سابق داشته باشد و برای قاضی محرز شود، اصل بر ملائت عاقله است؛ مگر آن که عدم تمکن مالی توسط عاقله ثابت شود؛ اما اگر حالت

سابق ملائت ثابت نشود، اولیای دم باید ملائت عاقله را اثبات کنند و در غیر این صورت، با یک سوگند عدم تمکن مالی عاقله ثابت می‌شود و در این صورت پس از مهلت مقرر، باید حکم به پرداخت دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن مالی مرتکب، حکم به پرداخت دیه از محل بیت‌المال داد. ۱۴- موارد محکومیت عاقله به پرداخت دیه در ق.م.ا. (۱۳۹۲) مشخص شده است و موضوع اقرار عاقله به وقوع جنایت از

ناحیه طفل از موارد مذکور نیست؛ و نیز با توجه به مواد ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۵ و ۴۱۶ ق.ا.د.ک. (۱۳۹۲) و نیز ماده ۳۰۴ این قانون، رسیدگی به جنایت کمتر از موضعه اطفال نیز در دادگاه‌های اطفال و نوجوانان صورت می‌پذیرد و ضرورتی به طرح و اقامه دعوای حقوقی در این خصوص در دادگاه حقوقی نیست. فوت عاقله مانع استیفای محکوم‌به از اموال وی (ماترک وی) نیست؛ و لذا محکوم‌به باید مطابق مقررات از اموال او تأدیه شود. (۴۵)

پی‌نوشت‌ها

- ۱- نوربها، رضا، حقوق جزای عمومی، تهران: انتشارات میزان، چاپ دوم، ۱۳۹۰
- ۲- اردبیلی، محمدعلی، «مسئولیت کیفری ناشی از فعل دیگری در حقوق کیفری ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۶ و ۱۷، صفحه ۱۴۱
- ۳- گرجی، ابوالقاسم، دیات، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱، صفحه‌های ۴۸ و ۴۹؛ همچنین بنگرید به: نظریه مشورتی شماره ۷۶۴۷۴ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۲ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۴- بنگرید به: مرعشی، سید محمدحسن، دیدگاه‌های نو در حقوق کیفری اسلام، پیشین، صفحه‌های ۲۲۴-۲۲۰
- ۵- بنگرید به: احمدی، ذکراه، نهاد عاقله در حقوق کیفری اسلام، تهران: انتشارات میزان، چاپ نخست، ۱۳۸۱، صفحه‌های ۸۲ و ۵۷ و ۹۴
- ۶- موسوی خمینی، سید روح الله، تحریرالوسیله، بی‌تا، صفحه ۵۵۸؛ شکری، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ۱۳۹۶، صفحه ۹۰۸
- ۷- برای دیدن تفصیل مطلب، بنگرید به: مکارم شیرازی، ناصر، «احکام و فلسفه دیات در اسلام»، مجله مکتب اسلام، سال ۲۶، شماره ۷، صفحه‌های ۱۲-۱۵؛ همان، شماره ۸، صفحات ۱۵-۲۰؛ بنگرید به: شکری، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ۱۳۹۶، صفحه ۹۰۹
- ۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۴۰۸۵ مورخ ۱۳۸۲/۸/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۹- شکری، رضا، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوق کنونی، ۱۳۹۶، صفحه ۹۱۰
- ۱۰- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸۲ مورخ ۱۳۹۶/۴/۳ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۱۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۶۶۶۱ مورخ ۱۳۸۲/۸/۱۲ اداره حقوقی قوه قضاییه
- ۱۲- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲
- ۱۳- ماده ۷۱۴ ق.م.ا. (۱۳۹۲): «دیه صدماتی که موجب تغییر رنگ پوست می‌شود، به شرح ذیل است: الف- سیاه شدن پوست صورت شش هزارم، کیود شدن آن سه هزارم و سرخ شدن آن یک و نیم هزارم دیه کامل؛ ب- تغییر رنگ پوست سایر اعضا، حسب مورد نصف مقادیر مذکور در بند (الف)».
- ۱۴- ماده ۷۱۶ ق.م.ا. (۱۳۹۲): «دیه سقط جنین به ترتیب ذیل است: الف- نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است دوصدم دیه کامل؛ ب- علقه که در آن جنین به صورت خون بسته در می‌آید چهارصدم دیه کامل...».
- ۱۵- ماده ۵۴۱ ق.م.ا. (۱۳۹۲): «هرگاه در اثر یک ضربه یا هر رفتار دیگر، آسیب‌های متعدد در اعضای بدن به وجود آید چنانچه هر یک از آنها در اعضای مختلف باشد یا همه در یک عضو بوده ولی نوع هر آسیبی غیر از نوع دیگری باشد و یا از یک نوع بوده و لکن در دو یا چند محل جداگانه از یک عضو باشد، هر آسیب دیه جداگانه دارد» ماده ۵۴۳ همین قانون: «در صورت وجود مجموع شرایط چهارگانه ذیل، دیه آسیب‌های متعدد تداخل می‌کند و تنها دیه یک آسیب ثابت می‌شود: الف- همه آسیب‌های ایجاد شده مانند شکستگی‌های متعدد یا جراحات متعدد از یک نوع باشد؛

ب- همه آسیب‌ها در یک عضو باشد؛ پ- آسیب‌ها متصل به هم یا به‌گونه‌ای نزدیک به هم باشد که عرفاً یک آسیب محسوب شود؛ ت- مجموع آسیب‌ها با یک رفتار مرتکب به وجود آید.

۱۶- «به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث ناشی از وسایل نقلیه، خسارت‌های بدنی وارد به شخص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، شناخته نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه، کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه یا تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون، قابل پرداخت نباشد، یا به طور کلی خسارت‌های بدنی که خارج از تعهدات قانونی بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون است به استثنای موارد مصرح در ماده (۱۷)، توسط صندوق مستقلی به نام «صندوق تأمین خسارت‌های بدنی» جبران می‌شود. تبصره ۱- میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارت‌های بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (۸) با رعایت تبصره ماده (۹) و مواد (۱۰) و (۱۳) این قانون است. تبصره ۲- تشخیص موارد خارج از تعهد بیمه‌گر مطابق مقررات این قانون بر عهده شورای عالی بیمه است. تبصره ۳- صندوق مکلف است هر شش ماه یک‌بار گزارش عملکرد خود را به کمیسیون اقتصادی مجلس ارائه کند.

۱۷- «صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان‌دیده یا مسبب زیان، خسارت زیان‌دیده را پرداخت نموده و پس از آن مکلف است به شرح زیر به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخت‌شده را بازبافت کند. الف- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب نداشتن، انقضا یا بطلان بیمه‌نامه باشد به مسبب حادثه رجوع می‌کند؛ ب- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب تعلیق یا لغو پروانه یا توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون باشد به بیمه‌گر و مدیران آن رجوع می‌کند؛ پ- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب شناخته‌نشدن وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، پس از شناخته شدن آن حسب مورد به مسبب حادثه یا بیمه‌گر وی رجوع می‌کند؛ ت- در صورتی که پرداخت خسارت به سبب خارج از ظرفیت بودن سرنشینان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه باشد، به مسبب حادثه رجوع می‌کند. تبصره ۱- در موارد زیر صندوق نمی‌تواند برای بازبافت به مسبب حادثه رجوع کند: ۱- در موارد جبران کسری پوشش بیمه‌نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه (پرداخت خسارت به استناد ماده (۱۳) این قانون)؛ ۲- تعلیق یا لغو پروانه فعالیت شرکت بیمه یا صدور حکم توقف یا ورشکستگی بیمه‌گر موضوع ماده (۲۲) این قانون؛ ۳- در مواردی که زیان‌دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه‌گر موضوع تبصره ماده (۱۲) این قانون باشند؛ ۴- در مواردی که صندوق به موجب قانون معادل دیه مرد مسلمان را به زیان‌دیده یا قائم‌مقام قانونی وی پرداخت می‌کند؛ برای بازپرداخت مابه‌التفاوت دیه شرعی با دیه مرد مسلمان. تبصره ۲- صندوق مجاز است با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت وقوع حادثه، علت نداشتن بیمه‌نامه، سوابق بیمه‌ای مسبب حادثه، وضعیت مالی و معیشتی مسبب حادثه و سایر اوضاع و احوال مؤثر در وقوع حادثه نسبت به تقسیط یا تخفیف در بازبافت خسارت از مسبب حادثه اقدام کند. نحوه بازبافت از مسبب حادثه با رعایت مقررات راجع به



درصد (۲۰٪) و در صورتی که مالک شخص حقیقی باشد به جزای نقدی معادل ده درصد (۱۰٪) مجموع خسارات بدنی وارده شده محکوم می‌شود. مبلغ مذکور به حساب درآمدهای اختصاصی صندوق نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود و با پیش‌بینی در بودجه‌های سالانه، صد در صد (۱۰۰٪) آن به صندوق اختصاص می‌یابد.

۳۳- «به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی، خسارت‌های بدنی وارد به شخص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته‌نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت باشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شدن بیمه‌نامه به استثنای موارد مطرح در ماده (۷) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت خواهد شد...».

۳۴- «شخص ثالث زیان‌دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی مراجعه نمایند...».

۳۵- نظر به اینکه برابر ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷، فلسفه تشکیل صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی است که خسارت‌های وارد شده که آنها از سوی شرکت‌های بیمه قابل پرداخت نیست و با عنایت به اینکه از مقررات قانون و آیین‌نامه اجرایی آن در خصوص نحوه مراجعه زیان‌دیدگان به صندوق برای دریافت خسارت چنین مستفاد می‌شود که نظر قانون‌گذار تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت به آنان بوده است؛ بنابراین در صورت امتناع صندوق از پرداخت خسارت بدنی زیان‌دیده، دادگاه عمومی جزایی صالح به رسیدگی و اظهار نظر در خصوص مورد خواهد بود و رعایت تشریفات مقرر برای دعاوی حقوقی در این موارد ضرورت ندارد. بدیهی است در صورت پرداخت خسارت نیز اقدامات قضایی برای تعقیب و شناسایی راننده مقصر باید ادامه یابد.

۳۶- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۷۵ مورخ ۱۳۹۵/۵/۶

۳۷- قانون آیین دادرسی کیفری

۳۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۱/۳۰

۳۹- ماده ۴۷۰ ق.م.ا. (۱۳۹۲): «در صورتی که مرتکب دارای عاقله نباشد یا عاقله او به دلیل عدم تمکن مالی نتواند دیه را در مهلت مقرر بپردازد، دیه توسط مرتکب و در صورت عدم تمکن از بیت‌المال پرداخت می‌شود. در این مورد فرقی میان دیه نفس و غیر آن نیست؛ ماده ۴۸۷ همان قانون: «اگر شخصی به قتل برسد و قاتل شناخته نشود یا بر اثر ازدحام کشته شود دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.»

۴۰- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۸۵۶ مورخ ۱۳۹۳/۱/۱۸ اداره حقوقی قوه قضاییه

۴۱- نظریه‌های مشورتی شماره ۷/۲۳۷ مورخ ۱۳۸۲/۱/۲۵ و ۷/۷۱۱۸ مورخ ۱۳۸۴/۱۰/۴ اداره حقوقی قوه قضاییه؛ این مرجع مشورتی قضات، در بخشی از نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۱ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۰ نیز اعلام داشته است: «پرداخت دیه از بیت‌المال نیاز به رسیدگی و صدور حکم دارد.»

۴۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۳۴۳ مورخ ۱۳۹۸/۱۰/۱۵ اداره حقوقی قوه قضاییه

۴۳- «در دعاوی مربوط به مطالبه خسارت موضوع ماده (۲۶۰) این قانون [این قانون آیین دادرسی مدنی]، ماده ۳۰ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ و مواردی که دیه از بیت‌المال مطالبه می‌شود، دادگاه موظف است از دستگاه پرداخت‌کننده دیه یا خسارت به منظور دفاع از حقوق بیت‌المال برای جلسه رسیدگی دعوت نماید. دستگاه مذکور حق تجدید نظرخواهی از رأی را دارد.»

۴۴- «در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملالت وی داشته یا مدیون در عوض دین مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل کرده باشد اثبات اعسار بر عهده اوست مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است. در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد هرگاه خواننده دعوای اعسار نتواند ملالت فعلی یا سابق او را اثبات کند یا ملالت فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.»

۴۵- نظریه مشورتی شماره ۷/۱۰۱۵ مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۳ اداره حقوقی قوه قضاییه

نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و میزان باز یافت، مطابق آیین‌نامه‌ای است که بنا به پیشنهاد هیئت نظارت صندوق و مجمع عمومی صندوق به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

۱۸- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی

۱۹- قانون مدنی

۲۰- ماده ۱۱۸۳ ق.م.ا: «در کلیه امور مربوطه به اموال و حقوقی مالی مولی‌علیه ولی نماینده قانونی او می‌باشد؛ ماده ۱۲۱۶ همین قانون: «هر گاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.»

۲۱- ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹: «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می‌باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت، مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می‌باشد و در صورتی که استطاعت جبران تمام یا قسمتی از زیان وارده را نداشته باشد، از مال مجنون و صغیر زیان جبران خواهد شد و در هر صورت جبران زیان باید به نحوی صورت گیرد که موجب عسرت و تنگدستی جبران‌کننده نباشد.»

۲۲- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۰۰ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۸

۲۳- هیچ کسی را نمی‌توان بعد از رسیدن به هیجده سال تمام به عنوان جنون یا عدم رشد محجور نمود مگر آن که عدم رشد یا جنون او ثابت شده باشد.

۲۴- «ماده ۱۲۱۰ ق.م.ا: اصلاحی هشتم دی ماه ۱۳۶۱ که علی‌القاعده رسیدن صغار به سن بلوغ را دلیل رشد قرار داده و خلاف آن را محتاج به اثبات دانسته، ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور مربوط به خود می‌باشد مگر در مورد امور مالی که به حکم تبصره ۲ ماده مرقوم مستلزم اثبات رشد است. به عبارت آخری، صغیر پس از رسیدن به سن بلوغ و اثبات رشد می‌تواند نسبت به اموالی که از طریق انتقالات عهده‌ای یا قهری قبل از بلوغ مالک شده مستقلاً تصرف و مداخله نماید و قبل از اثبات رشد از این نوع مداخله ممنوع است و بر این اساس، نصب قیم به منظور اداره امور مالی و استیفای حقوق ناشی از آن برای افراد فاقد ولی خاص پس از رسیدن به سن بلوغ و قبل از اثبات رشد هم ضروری است.»

۲۵- ماده ۳ ق.ن.ا.م. (۱۳۹۴): «اگر استیفای محکوم‌به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد، محکوم علیه به تقاضای محکوم‌له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له حبس می‌شود...».

۲۶- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۲۵ مورخ ۱۳۹۷/۱/۶

۲۷- نظریه مشورتی شماره ۷/۲۹۶۳ مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۵

۲۸- نظریه مشورتی شماره ۷/۳۲۶ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۰

۲۹- «تغلیظ دیه مخصوص قتل نفس است و در جنایت بر اعضا و منافع جاری نیست.»

۳۰- «هرگاه محکوم‌علیه فوت یا محجور شود، عملیات اجرایی حسب مورد تا زمان معرفی ورثه، ولی، وصی، قیم محجور یا امین و مدیر ترکه متوقف می‌گردد و قسمت اجرا به محکوم‌له اخطار می‌کند تا اشخاص مذکور را با ذکر نشانی و مشخصات کامل معرفی نماید و اگر مالی توقیف نشده باشد، دادورز (مأمور اجرا) می‌تواند به درخواست محکوم‌له معادل محکوم‌به از ترکه متوفی یا اموال محجور توقیف کند.»

۳۱- نظریه مشورتی شماره ۷/۹۵ مورخ ۱۳۸۱/۲/۱ اداره حقوقی قوه قضاییه

۳۲- «در صورت وقوع حادثه و ایجاد خسارت بدنی یا مالی برای شخص ثالث: الف- در صورتی که وسیله نقلیه مسبب حادثه دارای بیمه‌نامه موضوع این قانون باشد، جبران خسارت‌های وارده در حدود مقررات این قانون بر عهده بیمه‌گر است. در صورت نیاز به طرح دعوی در خصوص مطالبه خسارت، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه بیمه‌گر و مسبب حادثه طرح می‌کند. این حکم نافی مسئولیت‌های کیفری راننده مسبب حادثه نیست. ب- در صورتی که وسیله نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون یا مشمول یکی از موارد مندرج در ماده (۲۱) این قانون باشد، خسارت‌های بدنی وارده توسط صندوق با رعایت ماده (۲۵) این قانون جبران می‌شود. در صورت نیاز به طرح دعوی در این خصوص، زیان‌دیده یا قائم‌مقام وی دعوی را علیه راننده مسبب حادثه و صندوق طرح می‌کند. پ- در صورتی که خودرو فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون بوده و وسیله نقلیه با اذن مالک در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته باشد، در صورتی که مالک شخص حقوقی باشد، به جزای نقدی معادل بیست